

کتابخانه
بنیاد دایرة المعارف اسلامی

دانشنامه جهان اسلام

ج

جراید جنبه

(۱۰)



شماره ثبت ۱۷۳۷۰۷
تاریخ ۳۳ آذر ۱۳۹۲

زیر نظر

علا علی حداد عادل

معاون می

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۸۵

ضَبَّی، منصور بن مُعْتَمِر، عبدالملک بن عُمر، مُغْبِرَة بن مِقْسَم ضَبَّی، مالک بن انس و محمد بن اسحاق بن یَسَار. همچنین محدثان بسیاری از وی حدیث نقل کرده‌اند از جمله یحیی بن مَعین، احمد بن حنبل، علی بن اسحاق مدینی، اسحاق بن راهویه و محمد بن حُمَید رازی (برای آگاهی بیشتر درباره استادان و شاگردان جریر ← مزی، ج ۴، ص ۵۴۱-۵۴۳؛ ذهبی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص ۱۰)، هر چند به گفته یحیی بن معین (ج ۱، ص ۲۲۵) جریر تنها پنج سال طلب حدیث کرد.

جریر قرائت مختلف را نزد حمزه بن حبیب* (یکی از قرّای سبعة) و سلیمان بن مهران اَعْمَش (از مشاهیر علم قرائت) فراگرفت و یوسف بن موسی قَطّان و احمد بن جُبیر اَنطَاقی از او نقل کردند (ابن جزری، ج ۱، ص ۱۹۰). به گفته ابن ابی الوفا (ج ۲، ص ۱۱)، وی فقه را نزد ابوحنیفه آموخت.

جریر در ۱۸۷ (ابن حبان، ج ۶، ص ۱۴۵؛ سمعانی، ج ۴، ص ۱۰) و به قولی در ۱۸۸ (بخاری، ج ۲، جزء ۱، قسم ۲، ص ۲۱۴؛ خطیب بغدادی، ج ۸، ص ۱۹۴) در ری وفات یافت. در منابع رجالی اهل سنت جریر را در روایت حدیث و کثرت علم ستوده‌اند (برای نمونه ← ابن سعد، همانجا؛ مزی، ج ۴، ص ۵۵۰). ابوالقاسم هبة الله بن حسن لالکائی وثاقت وی را مورد اجماع دانسته است (مزی، همانجا؛ نیز ← خلیلی، همانجا). جریر از داناترین محدثان عصر خود بود، به ویژه در مورد احادیثی که اهل کوفه روایت می‌کردند (← عجللی، همانجا). دیگران برای شنیدن حدیث از نقاط دیگر نزد وی می‌آمدند (ابن سعد، همانجا؛ نیز ← ذهبی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص ۱۱ به نقل از ابن سعد)، چنانکه احمد بن حنبل آرزو داشت بتواند به ری سفر کند تا احادیث جریر را بشنود (← ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۸-۴۹). جریر مصنفات حدیثی داشته (ذهبی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۸۲) و محمد بن عبدالله بن عمار موصلی همه آنها را صحیح دانسته است (خطیب بغدادی، ج ۸، ص ۱۹۱). همچنین بنا بر آنچه در منابع آمده، وی فردی عابد بوده (← ابن حبان، همانجا؛ ابن عدی، ج ۱، ص ۱۰۵) و زاهدانه می‌زیسته است (← یحیی بن معین، همانجا؛ خطیب بغدادی، ج ۸، ص ۱۹۰-۱۹۱). با این همه، از جریر به سبب برخی خطاهایش در نقل حدیث، انتقاداتی نیز شده است. از خود جریر نقل شده (← یحیی بن معین، ج ۱، ص ۱۹۳؛ ابن ابی حاتم، ج ۲، ص ۴۳۱) که حدیث عاصم بن سلیمان احوّل (متوفی ۱۴۲) را با حدیث اشعث بن سوار کوفی (متوفی ۱۴۶) خلط می‌کرد، تا اینکه بهزین اسد بصری (متوفی ۱۹۷) وی را از این موضوع آگاه ساخت (← ذهبی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۸۲۲-۸۲۳). احمد بن حنبل (ج ۱، ص ۵۴۳)، ضمن نقل این مطلب، جریر را در حدیث ذکی ندانسته است. همچنین بیهقی (ج ۶، ص ۸۷) گفته که جریر در

[۱۹۷۶]؛ عبدالله بن عبدالعزیز بکری، کتاب المسالک و الممالک، چاپ ادریان فان لیوفن و اندری فری، تونس ۱۹۹۲؛ عبدالله بن محمد تجانی، رحلة التجانی، چاپ حسن حسنی عبدالوهاب، تونس ۱۹۸۱؛ محمد بن عبدالله حمیری، الروض المعطار فی خبر الأقطار، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۸۴؛ ژ. دیوا، تونس، تعریف الصادق مازیغ، تونس ۱۹۶۹؛ شیبانی بن بلغیث، النخيل فی نفاوه و دورة الاقتصادی و الاجتماعی خلال النصف الثاني من القرن التاسع عشر، مجلة التاريخة المغاربية، ش ۷۱-۷۲ (مه ۱۹۹۳)؛ کتاب الاستبصار فی عجائب الامصار، چاپ سعد زغلول عبدالحمید، دارالبيضاء: دارالنشر المغربية، ۱۹۸۵؛ مقدسی؛ محمد بن محمد وزیر، الحلل السندسية فی الاخبار التونسية، چاپ محمد حبيب هيله، بیروت ۱۹۸۵؛ یاقوت حموی؛ یعقوبی، البلدان؛

The Times atlas of the world, London: Times Books, 1999.

/ بهزاد لاهوتی /

جریر بن عبد الحمید، محدث مشهور قرن دوم. بر اساس آنچه خطیب بغدادی (ج ۸، ص ۱۸۵) به نقل از دارقُطنی در معرفی سلسله نسب او آورده، نسب جریر بن عبد الحمید به قبیله بنو صَبّه از شعب مُضَر می‌رسد. جریر، به گفته خودش در سال ۱۱۰ در آبه، یکی از قرّای اصفهان، به دنیا آمد (← ابونعیم، ج ۱، ص ۲۵۰؛ سمعانی، ج ۱، ص ۵۹؛ قس دانشنامه ایران و اسلام، ذیل «آبی، ابو عبدالله» که او را منسوب به آبه یا آوه، از قرّای نزدیک ساوه، دانسته است) و به همین سبب به آبی نیز مشهور است (← سمعانی، همانجا). با این حال، ابن سعد (ج ۷، ص ۳۸۱) ولادت وی را در ۱۰۷ در کوفه و یحیی بن مَعین (← ابن ابی حاتم، ج ۲، ص ۵۰۶) زادگاه او را ری دانسته که ظاهراً به سبب خلط آبه ری با آبه اصفهان است. جریر در کوفه به فراگیری دانش حدیث پرداخت (ابن سعد، همانجا؛ نیز ← مزی، ج ۴، ص ۵۴۱)، در ری اقامت گزید (ابن سعد، همانجا؛ عجللی، ج ۱، ص ۲۶۷) و در آنجا به منصب قضا رسید (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۵۸). وی همچنین به قزوین (خلیلی، ج ۲، جزء ۵، ص ۵۶۸؛ رافعی قزوینی، ج ۲، ص ۳۷۳) و بغداد (خطیب بغدادی، همانجا) سفر کرد و به روایت حدیث پرداخت. به مکه نیز رفت و در آنجا از ایوب سَخْتیانی و کسان دیگری حدیث شنید (همان، ج ۸، ص ۱۸۴). علاوه بر جریر، که بعدها به محدث و عالم ری مشهور شد (← ذهبی، ۱۹۶۳-۱۹۶۴، ج ۱، ص ۳۹۴)، چند تن دیگر از اعضای خانواده او نیز محدث بودند، از جمله پدر بزرگ و پدرش (ابن ابی حاتم، ج ۶، ص ۱۷)، پسرش عون (همان، ج ۶، ص ۳۸۸)، و برادرش آنس (همان، ج ۲، ص ۲۸۹) که بعضاً این افراد از یکدیگر حدیث نقل می‌کردند. جریر از شیوخ و استادان متعددی حدیث شنید، از جمله از پدرش عبدالحمید بن قُرط

سالهای آخر عمرش دچار سوء حفظ شده بود، اگر چه به نظر ذهبی (۱۹۶۳-۱۹۶۴، ج ۱، ص ۳۹۲، ۳۹۴) این مطلب درباره جریرین عبدالحمید صحیح نیست و به نظر او، بیهقی جریرین عبدالحمید را با جریرین حازم (متوفی ۱۷۰) خلط کرده است (برای انتقادهای دیگر ← خطیب بغدادی، ج ۸، ص ۱۸۹، ۱۹۲-۱۹۳؛ برای پاسخ به این گونه انتقادهای ← ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۸، ص ۵۴۳-۵۴۵، ۵۵۷).

از جریر در منابع شیعی نیز روایاتی نقل شده (برای نمونه ← ابن بابویه، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۷۶؛ همو، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۷۵-۷۶) و در مواردی نیز کاتبان نام او را به اشتباه خُرَیز نوشته و او را خُرَیزین عبدالله سجستانی آزدی (متوفی ۲۲۹) دانسته اند (← نجار، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۲۵، ۵۶۹-۵۷۳). ابن قتیبه (ص ۶۲۴) جریر را شیعه دانسته است. شاید منشأ این نظر ابن قتیبه، تلقی رایج از مفهوم تشیع در آن دوره بوده باشد (در این باره ← جعفریان، ج ۱، ص ۲۱-۲۲) و دادن این نسبت به جریر، همانند اغلب محدثان عراقی، ممکن است به دلیل روایت وی از برخی احادیث در فضیلت اهل بیت علیهم السلام (برای نمونه ← کوفی، ج ۱، ص ۲۴۰، ج ۲، ص ۸۷، ۲۸۲، ۲۹۳، ۴۷۱؛ اخطاب خوارزم، ص ۲۸۴-۲۹۳) یا اعتقاد جریر به برتری و افضلیت علی علیه السلام بر عثمان باشد (← خطیب بغدادی، ج ۸، ص ۱۸۹-۱۹۰). اما با توجه به آنکه جریر از جابرین یزید جُعیفی (متوفی ۱۲۸) به سبب اعتقاد به رجعت و از ابن جُرَیح (متوفی ۱۵۰) به این سبب که متعه را جایز می دانست، حدیث نقل نکرده (← همان، ج ۸، ص ۱۸۶-۱۸۷) شیعه بودن او منتفی است. گفتنی است که شیخ طوسی (ص ۱۷۷) نام او را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام درج کرده و در اغلب منابع متأخر رجالی امامیه، فقط به نقل گفته شیخ طوسی درباره جریر اکتفا شده است (برای نمونه ← تفرشی، ج ۱، ص ۳۳۴؛ خوئی، ج ۴، ص ۴۱). از عالمان رجالی معاصر امامی، مامقانی (ج ۱، بخش ۲، ص ۲۱۰) گفته شیخ طوسی را بر امامی بودن جریر حمل کرده و امین (ج ۴، ص ۷۱-۷۵) نیز پس از نقل شواهد گوناگون، در نهایت به امامی بودن جریر نظر داده است. اما تستری (ج ۲، ص ۵۸۳-۵۸۴) با توضیح اینکه شیخ طوسی نام غیر امامیان از شاگردان ائمه را نیز آورده، این نظر را رد کرده است.

منابع: ابن ابی الوفا، الجواهر المضیة فی طبقات الحنفیة، چاپ عبدالفتاح محمد حلو، ریاض ۱۹۹۳/۱۴۱۳؛ ابن ابی حاتم، کتاب الجرح و التعذیل، حیدرآباد دکن ۱۳۷۱-۱۳۷۳/۱۹۵۲-۱۹۵۳، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن بابویه، کتاب الخصال، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲ ش؛ همو، معانی الأخبار، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۱ ش؛ ابن جزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، چاپ برگشترسر، قاهره [بی تا]؛ ابن حبان، کتاب الثقات، حیدرآباد دکن ۱۳۹۳-۱۴۰۳/۱۹۷۳-۱۹۸۳.

چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۹۹۵/۱۴۱۵؛ همو، هدی الساری: مقدمة فتح الباری، چاپ عبدالعزیزین عبداللّه بن باز و محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷؛ ابن حنبل، کتاب العلیل و معرفة الرجال، چاپ وصی اللّه بن محمد عباس، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ ابن سعد (بیروت)؛ ابن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، چاپ سهیل زکار، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۸؛ ابن قتیبه، المعارف، چاپ ثروت عکاشه، قاهره ۱۹۶۰؛ احمدین عبدالله ابونعیم، کتاب ذکر اخبار اصهبان، چاپ سون ددرینگ، لیدن ۱۹۳۱-۱۹۳۴، چاپ افست تهران [بی تا]؛ موفق بن احمد اخطاب خوارزم، المناقب، چاپ مالک محمودی، قم ۱۴۱۴؛ امین؛ محمدین اسماعیل بخاری، کتاب التاریخ الکبیر، [بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۶]؛ احمدین حسین بیهقی، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، [بی تا]؛ تستری؛ مصطفی بن حسین تفرشی، نقد الرجال، قم ۱۴۱۸؛ رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، قم ۱۳۷۵ ش؛ خطیب بغدادی؛ خلیل بن عبدالله خلیلی، کتاب الارشاد فی معرفة علماء الحدیث، چاپ محمد سعید بن عمر ادریس، ریاض ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ خوئی؛ دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران ۱۳۵۴-۱۳۷۰ ش، ذیل «آبی، ابوعبدالله» (از ابوالقاسم گرجی)؛ محمدین احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و النبلاء، ج ۹، چاپ شعیب آرژووط و کامل خزّاط، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۲؛ همو، الکاشف فی معرفة من له روایة فی الکتب السنّة، چاپ عزت علی عید عطیّه و موسی محمدعلی موشی، قاهره ۱۳۹۲/۱۹۷۲؛ همو، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، چاپ علی محمد بجایوی، قاهره ۱۹۶۳-۱۹۶۴، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی، التدوین فی اخبار قزوین، چاپ عزیزالله عطاردی، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۷؛ سمعانی؛ محمدین حسن طوسی، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ احمدین عبدالله عجلی، معرفة الثقات، چاپ عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی، مدینه ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ محمدین سلیمان کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ محمدباقر محمودی، قم ۱۴۱۲؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ سنگی نجف ۱۳۴۹-۱۳۵۲؛ یوسف بن عبدالرحمان مزنی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۱۴۲۲/۲۰۰۲؛ محمدعلی نجار، تصحیح ترائنا الرجالی مع التعریف بالمجهولین من رواته، ج ۱، [قم] ۱۴۱۰؛ یحیی بن معین، تاریخ یحیی بن معین، روایة عباس بن محمد حاتم دوری، چاپ عبدالله احمد حسن، بیروت [بی تا].

/ مهرداد عباسی /

جریر بن عبدالله بجلی ← بجلی (۲)

جریر بن عطیة، شاعر هجوگوی عهد اموی. جد او حذیفة نام داشت و جریر در اشعارش وی را حَطَفَی خوانده است (←